



دانشگاه پیام نور

تاریخ تحلیلی حضرت امیر علیه السلام (۲)

دکتر محمود صادقی علوی دکتر مصطفی گوهری فخرآباد

«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور» «عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد»

«امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.»^۱

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳

فصل اول.....	۱
امام علی علیه السلام در روزگار خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ق).....	۱
هدف کلی.....	۱
هدف‌های یادگیری.....	۱
۱-۱ زندگانی ابوبکر.....	۱
۲-۱ روزهای پایانی حیات پیامبر صلی الله علیه و آله	۲
۱-۲-۱ غدیر.....	۳
۲-۲-۱ سپاه اسامه.....	۷
۳-۲-۱ حدیث دوات و قلم.....	۸
۴-۲-۱ انکار رحلت پیامبر توسط عمر تا هنگام رسیدن ابوبکر به شهر.....	۱۰
۵-۲-۱ برپایی سقیفه توسط انصار.....	۱۱
۳-۱ سقیفه.....	۱۲
۱-۳-۱ عدم حضور امام علی علیه السلام در سقیفه.....	۱۴
۲-۳-۱ اختلاف میان انصار.....	۱۴
۳-۳-۱ سخنرانی ابوبکر.....	۱۵
۴-۳-۱ نقش عمر و ابوعبیده.....	۱۵
۴-۱ بیعت خواستن از امام علی علیه السلام	۱۶
۵-۱ فدک.....	۱۸
۶-۱ دلگیری حضرت زهرا علیها السلام از دستگاه خلافت.....	۲۱
۷-۱ اقدامات امام برای احقاق حق خویش.....	۲۲
۸-۱ تحلیل علل غصب خلافت.....	۲۵
۹-۱ بیعت با ابوبکر.....	۲۶
۱۰-۱ رابطه امام با دستگاه خلافت.....	۲۷
۱۱-۱ مسئله جانشینی ابوبکر.....	۲۹
۱۲-۱ ارزیابی امام از خلافت ابوبکر.....	۳۰

۳۱.....	خلاصه فصل اول.....
۳۲.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول.....
۳۳.....	خودآزمایی تشریحی فصل اول.....

فصل دوم..... ۳۵

۳۵.....	امام علی علیه السلام در روزگار خلافت عمر (۱۳-۲۳ق).....
۳۵.....	هدف کلی.....
۳۵.....	هدف‌های یادگیری.....
۳۵.....	۱-۲-زندگانی عمر بن خطاب.....
۳۶.....	۲-۲-همکاری امام با دستگاه خلافت.....
۳۷.....	۲-۲-۱-امور نظامی.....
۴۷.....	۲-۲-۲-مشورت‌های اداری.....
۴۹.....	۲-۲-۳-امور قضایی.....
۵۲.....	۲-۳-۱-مقابله امام با بدعت‌ها.....
۵۲.....	۲-۳-۲-تغییر اذان.....
۵۲.....	۲-۳-۳-نماز تراویح.....
۵۳.....	۲-۳-۴-متععه حج و نساء.....
۵۳.....	۲-۴-روابط خانوادگی.....
۵۶.....	۲-۵-شورای عمر (جانشینی).....
۶۰.....	۲-۶-دیدگاه امام علی علیه السلام و عمر نسبت به یکدیگر.....
۶۰.....	۲-۶-۱-نظر امام درباره عمر.....
۶۶.....	۲-۶-۲-نظر عمر درباره امام.....
۶۸.....	خلاصه فصل دوم.....
۶۹.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۷۰.....	خودآزمایی تشریحی فصل دوم.....

فصل سوم..... ۷۱

۷۱.....	امام علی علیه السلام در روزگار خلافت عثمان (۲۳-۳۵ق).....
۷۱.....	هدف کلی.....
۷۱.....	هدف‌های یادگیری.....
۷۱.....	۳-۱-زندگانی عثمان بن عفان.....
۷۲.....	۳-۲-آغاز اختلافات.....
۷۳.....	۳-۳-خطاهای (أحداث) عثمان.....
۷۳.....	۳-۳-۱-خویشاوند دوستی عثمان.....
۷۴.....	۳-۳-۲-زیر پا نهادن دستورات الهی و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۷۵	۳-۴ عثمان و معترضان
۷۷	۳-۵ فتنه بزرگ
۸۰	۳-۶ ارزیابی امام از خلافت عثمان
۸۱	خلاصه فصل سوم
۸۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۸۲	خودآزمایی تشریحی فصل سوم

فصل چهارم ۸۳

۸۳	آغاز خلافت امام علی علیه السلام
۸۳	هدف کلی
۸۳	هدف‌های یادگیری
۸۳	۴-۱ دستیابی امام به خلافت
۸۸	۴-۲ اصلاحات امام و دشواری‌های فراروی ایشان
۸۸	۴-۲-۱ عدالت اقتصادی
۹۰	۴-۲-۲ تغییر عاملان عثمان
۹۱	۴-۲-۳ مبارزه با تبعیض نژادی و طایفه‌ای
۹۲	۴-۲-۴ مبارزه با انحرافات و بدعت‌های دینی
۹۴	۴-۲-۵ مبارزه با دنیاگرایی و رفاه طلبی
۹۵	خلاصه فصل چهارم
۹۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۹۶	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم

فصل پنجم ۹۷

۹۷	جنگ جمل
۹۷	هدف کلی
۹۷	هدف‌های یادگیری
۹۷	۵-۱ زمینه‌های جنگ
۱۰۴	۵-۲ وقوع جنگ
۱۱۰	۵-۳ پس از جنگ
۱۱۲	۵-۴ انتقال مرکز حکومت به کوفه
۱۱۳	۵-۴-۱ وجود منابع انسانی و اقتصادی کوفه برای مقابله با شامیان
۱۱۴	۵-۴-۲ آمادگی کوفیان
۱۱۴	خلاصه فصل پنجم
۱۱۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۱۶	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم

فصل ششم.....	۱۱۷
صفین و نهروان.....	۱۱۷
هدف کلی.....	۱۱۷
هدف‌های یادگیری.....	۱۱۷
۶-۱ زمینه‌های جنگ صفین.....	۱۱۷
۶-۲ عزل قیس بن سعد بن عبادۀ از امارت مصر.....	۱۱۸
۶-۳ نخستین درگیری‌ها میان سپاه امام و معاویه.....	۱۱۹
۶-۴ اعزام سفیر توسط امام به نزد معاویه.....	۱۲۰
۶-۵ حکمیت.....	۱۳۰
۶-۶ نهروان.....	۱۳۷
خلاصه فصل ششم.....	۱۳۹
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم.....	۱۴۰
خودآزمایی تشریحی فصل ششم.....	۱۴۱

فصل هفتم.....	۱۴۳
غارات و شهادت امام.....	۱۴۳
هدف کلی.....	۱۴۳
هدف‌های یادگیری.....	۱۴۳
۷-۱ غارات و انگیزه‌های آن.....	۱۴۳
۷-۲ تصرف مصر به دست معاویه.....	۱۴۷
۷-۳ نامه امام به یارانش درباره حوادث دوران خلفا.....	۱۵۰
۷-۴ درگیری با ابن عباس.....	۱۵۲
۷-۵ شورش ابن حضرمی در بصره.....	۱۵۵
۷-۶ ادامه غارات.....	۱۵۶
۷-۶-۱ غارت نعمان بن بشیر به کناره‌های فرات.....	۱۵۶
۷-۶-۲ غارت عبدالله بن مسعود به تیماء.....	۱۵۶
۷-۶-۳ فرستادن یزید بن شجره به مکه.....	۱۵۷
۷-۶-۴ غارت سفیان بن عوف غامدی به انبار.....	۱۵۷
۷-۶-۵ غارت بُسر بن ابی‌ارطاة به حجاز و یمن.....	۱۵۹
۷-۷ درگیری با خوارج.....	۱۶۴
۷-۸ شهادت امام علی (ع).....	۱۶۴
خلاصه فصل هفتم.....	۱۶۷
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم.....	۱۶۸
خودآزمایی تشریحی فصل هفتم.....	۱۶۸

فصل هشتم.....	۱۷۱
درباره امام علی علیه السلام	۱۷۱
هدف کلی.....	۱۷۱
هدف‌های یادگیری.....	۱۷۱
۸-۱-۱ زنان و فرزندان امام.....	۱۷۱
۸-۱-۱ همسران امام.....	۱۷۱
۸-۱-۲ فرزندان.....	۱۷۴
۸-۲-۱ یاران امام.....	۱۷۵
۸-۲-۱ سلمان فارسی.....	۱۷۵
۸-۲-۲ ابوذر غفاری.....	۱۷۶
۸-۲-۳ مقداد بن عمرو.....	۱۷۷
۸-۲-۴ عمار بن یاسر.....	۱۷۹
۸-۲-۵ مالک اشتر.....	۱۸۰
۸-۲-۶ عبدالله بن عباس.....	۱۸۲
۸-۲-۷ اویس قرنی.....	۱۸۲
۸-۲-۸ محمد بن ابی‌بکر.....	۱۸۳
۸-۳ معیشت امام.....	۱۸۳
۸-۳-۱ دوره پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۸۳
۸-۳-۲ دوران ۲۵ سال خاننشینی.....	۱۸۶
۸-۳-۳ دوران خلافت.....	۱۸۷
۸-۴ سیره امام علی علیه السلام	۱۸۸
خلاصه فصل هشتم.....	۱۹۲
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم.....	۱۹۳
خودآزمایی تشریحی فصل هشتم.....	۱۹۴
پاسخنامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای.....	۱۹۵
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۹۷

پیشگفتار

نوشتن درباره امیرالمؤمنین علیه السلام توفیقی است که پس از سال‌ها مطالعه در زمینه تاریخ اسلام نصیب نگارندگان شده است و از این بابت خدا را بسیار سپاسگزاریم. زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام موضوعی است که درباره آن بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، ولی هرچه نوشته می‌شود باز رنگ کهنگی بر خود نمی‌گیرد و همواره تر و تازگی خود را حفظ می‌کند:

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب

کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

شاید این موضوع به این دلیل باشد که علاقه انسان‌ها به فضایل اخلاقی هیچ‌گاه از بین نمی‌رود و انسان‌ها دوست دارند تا با زندگانی کسانی آشنا شوند که از حلقه تنگ مادیات خارج شده‌اند و در فضایی دیگر سیر کرده‌اند و رفتار. امیرمؤمنان فارغ از نگاه دینی و مذهبی یگانه نسخه مکارم اخلاق است. از خود آن بزرگوار نقل است که فرمود: «اگر هم به بهشت امید نمی‌داشتیم و از دوزخ نمی‌هراسیدیم و پاداش و کیفری در کار نمی‌بود باز شایسته بود که در طلب مکارم اخلاق برآییم؛ زیرا که راه موفقیت و پیروزی در تحصیل آن است». ایشان محصول و نماینده مکتب اسلام است؛ برای هر قوم و ملتی که نماینده کاملی از مکتب اسلام طلب کند؛ چرا که او دست‌پرونده خاتم پیامبران و امین وحی و پدیدآورنده اسلام است؛ چنان‌که مقدر بود که در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از وحی ساکن شود و تحت نظر رسول الله صلی الله علیه و آله تربیت شود؛ گویا خداوند متعال کس دیگری را لایق تربیت چنین انسانی ندانسته است.

لازم است پیش از شروع، نکاتی درباره نحوه تألیف این کتاب گفته شود. در این کتاب تلاش شده است تا مهم‌ترین تحقیقات جدید درباره تاریخ صدر اسلام و وقایع ایام خلافت امام علی علیه السلام نگریسته شود تا تحلیل و نکته نوی از قلم نیفتد. بنابراین این کتاب می‌تواند تاحدودی منبع‌شناسی خوبی برای بهترین آثار تألیفی به زبان فارسی درباره امیرمؤمنان علیه السلام

باشد. افزون بر آن به سبب گستردگی موضوع و مطالب، بنای کار بر اختصار بوده است؛ هرچند کوشیده شده است نکته مهمی از زندگانی حضرت امیر علیه السلام از قلم نیفتد. اصلی‌ترین منابع این پژوهش در کتاب «تاریخ تحلیلی حضرت امیر علیه السلام» معرفی و نقد شده‌اند و بنابراین نیازی به ذکر مجدد آن‌ها نیست، اما برای غنای بیشتر کار، منابعی در پایان کتاب برای مطالعه معرفی شده است که ممکن است برای علاقه‌مندان تاریخ و زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام مفید باشد. تقسیم‌بندی‌های کتاب بر سیاق کتب درسی به صورت جزئی ارائه شده است تا فهم و ارتباط مطالب را با هم، آسان سازد. در سراسر کتاب ویژگی درسی بودن آن مدنظر نویسندگان بوده و از هرگونه تحلیل‌های پردامنه و ارجاعات مفصل خودداری شده است. با وجود گام نهادن عده زیادی در عرصه نگارش زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام برای این که کار تکراری از آب درنیاید بخش‌های به نظر مفیدی به کتاب افزودیم که شاید اطلاعات جالبی در اختیار خوانندگان مطلع قرار دهد؛ از جمله فصلی که به زندگانی شخصی امام در این دوره اختصاص یافته است که در آن درباره همسران و فرزندان ایشان و نحوه معیشت امام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مباحثی آمده است. بخشی نیز به یاران وفادار ایشان اختصاص داده شد. در پایان امیدواریم که کتاب حاضر بتواند به عنوان یک متن درسی گوشه‌ای از زوایای زندگانی آن حضرت را که به مثل به دریا می‌ماند برای دانشجویان علاقه‌مند و دل‌باخته اهل بیت علیهم السلام روشن سازد ان شاء الله تعالی.

مقدمه

بررسی زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام با توجه به نقش بی بدیل ایشان در حوادث تاریخ صدر اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است و به همین سبب نیز کتب، مقالات و پایان نامه‌های متعددی در سراسر جهان در این باره نوشته شده است. البته هر کس و هر گروهی بر اساس دیدگاه‌های مذهبی، عقیدتی و یا اخلاقی خود به امام نزدیک شده است و سعی کرده است از زاویه دید خود ایشان را معرفی کند. امام شخصیتی چند وجهی داشت و از این رو پیروان ادیان و مکاتب گوناگون مجذوب او شده‌اند؛ از این رو می‌بینیم که مسلمان و مارکسیست، شیعه و سنی، نواندیش و سلفی درباره او قلم زده‌اند. باین حال به سبب عدم نقادی منابع و دخالت دادن دیدگاه‌های خود در معرفی امام، مطالب ایشان بسیار متنوع و گاه متعارض شده است. مثلاً نگاه انقلابی و عدالت‌خواهانه دکتر شریعتی (مجموعه آثار: علی) و جرج جرداق مسیحی (صدای عدالت انسانی) بسیار متفاوت است با نگاه کلامی که مثلاً ابن ابی الحدید معتزلی (شرح نهج البلاغه) و ابوجعفر اسکافی معتزلی (المعیار و الموازنه) دارند، یا تفاوت نگاه محمد عبده تجددخواه (شرح نهج البلاغه) و طه حسین سکولار (علی و فرزندان). تمام اینها را باید در کنار حجم انبوه آثاری نهاد که از قدیم تاکنون توسط علمای شیعه نوشته شده است؛ از جمله آثار محققانی مانند علامه امینی (الغدیر)، جعفر مرتضی عاملی (سیره صحیح امام علی)، مرتضی عسکری (عبدالله بن سبا، نقش عایشه در تاریخ اسلام و سایر آثار) و حسین محمد جعفری (تشیع در مسیر تاریخ) که بسیار قابل استفاده‌اند. در سده اخیر خاورشناسان نیز به این جرگه افزوده شده‌اند و افرادی مانند مادلونگ (جانشینی حضرت محمد)، پترسن (علی و معاویه) درباره ایشان قلم زده‌اند. نگاه برون دینی آن‌ها به حوادث تاریخ اسلام که با دانش گسترده تاریخی، نقد منابع و حجم انبوه پیشینه تحقیق همراه شده است بسیار مغتنم است و گاه تحلیل‌ها و نکات نوی در آن‌ها می‌توان یافت.

اکنون باید اندکی نیز درباره روش بهره‌گیری خود از منابع سخن بگوییم. نویسندگان

به اقتضای رشته تحصیلی خود منابع را با ملاحظه شرایط آن‌ها - از قبیل شیعه یا سنی بودن، قدیم یا متأخر بودن، حدیث یا تاریخ بودن - با روش نقد علمی رایج در تاریخ مورد بررسی قرار داده است و اخباری را برگزیده‌اند که به نظر از وثاقت بیشتری برخوردارند. طبعاً حوادث تاریخ صدر اسلام را در منابع متنوعی اعم از کتب تاریخی مانند تاریخ یعقوبی، انساب الاشراف بلاذری، تاریخ طبری، مروج الذهب مسعودی؛ منابع حدیثی مانند اصول کافی، صحیحین و خصائص نسائی، منابع ادبی مانند عقد الفرید و الاغانی و آثار متنوع جاحظ مانند البیان و التبیین و تکنگاری‌هایی مانند الجمل شیخ مفید، وقعة صفین نصر بن مزاحم منقری، الغارات ابواسحاق ثقفی و الفتوح ابن اعثم کوفی می‌توان جست. در این میان نوشته‌های مورخان و محدثان با یکدیگر تفاوت‌های ریشه‌ای و دراز دامنی دارند که کار را برای محقق دشوار می‌سازد. نگاهی که مورخان شیعی اولیه مانند ابن اسحاق، هشام بن محمد کلبی، یعقوبی و مسعودی - که اکثراً عراقی‌اند - نسبت به تاریخ صدر اسلام دارند بسیار دور است از دیدگاه محدثان شیعه در همان زمان و مخصوصاً دوره‌های بعد؛ چنان‌که محدثان سنی نیز نوشته‌های واقدی، طبری و بلاذری سنی را به چیزی نمی‌گیرند و از حیث اعتبار خارج می‌دانند. شاید علت این تفاوت نگاه را باید در این موضوع جست که منابع حدیثی بیشتر به دنبال تأیید عقیده خود از مجرای حدیث هستند و اهمیتی به وقایع تاریخی نمی‌دهند و تنها به ذکر مواردی می‌پردازند که عقیده فقهی یا کلامیشان را اثبات کند. باین- حال نمی‌توان از آن‌ها غفلت نمود؛ چه به لحاظ قدیمی بودن آن‌ها و چه سختگیری بیشتر نسبت به سند حدیث؛ هر چند آفت جهت‌گیری‌های فرقه‌ای و جعل گسترده را در آن‌ها نمی‌توان نادیده گرفت.

در پایان باید افزود که یکی از منابعی که بسیار در این موضوع راهگشا بود کتاب نهج البلاغه است که علاوه بر قدمت تاریخی و سند بودن، به دلیل احاطه کامل بر حوادث دوران خلافت امام، منبع اساسی به شمار می‌رود؛ همچنان‌که کسی که زندگانی پیامبر ﷺ را مورد بررسی قرار می‌دهد نخستین و مهم‌ترین منبع او قرآن کریم است. البته استفاده نگارندگان از نهج البلاغه بیشتر جنبه تأییدی و توضیحی برای حوادث تاریخی داشته است.

فصل اول

امام علی علیه السلام در روزگار خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ق)

هدف کلی

آگاهی از واکنش‌های امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام در قبال سیاست‌های خلیفه اول

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. علل غصب خلافت را توسط ابوبکر و طرفدارانش توضیح دهد.
۲. نحوه تعامل امام علی علیه السلام را با خلیفه اول بیان کند.
۳. مسئله جانشینی ابوبکر را تحلیل کند.
۴. موضع حضرت زهرا علیها السلام را در قبال دستگاه خلافت تبیین کند.

۱-۱ زندگانی ابوبکر

ابن ابی قحافه عثمان بن عامر بن عمرو بن کعب بن سعد بن تیم بن مُرّة بن کعب قرشی، مسّی به عبدالله و ملقب به عتیق و صدیق و یار غار نبی. مادر او ام‌الخیّر سلمی است، دختر صخر بن عمرو و دختر عموی ابوقحافه. نسب ابوبکر به پشت هفتم از سوی پدر و نیز مادر به نسب رسول صلوات الله علیه می‌پیوندد. نام او در جاهلیت عبدالعزی یا عبداللات بود و پس از قبول اسلام به عبدالله موسوم گشت. او از سابقین در اسلام و به روایتی

چهارمین آنان و پدر عایشه، یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، و نخستین از خلفای اربعه راشدین است. شبی که نبی اکرم به مدینه هجرت فرمود او همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در غار ثور با حضرت پنهان گشت و از این رو به یار غار خوانده شد. در مکه تعدادی از بردگان مسلمان را که مورد شکنجه اربابان خود قرار گرفته بودند از اموال خود آزاد نمود. در جنگ‌های بدر و اُحد و خندق و دیگر غزوات در رکاب رسول خدا بود. مسلمانان در روز وفات پیامبر صلی الله علیه و آله او را به خلافت برگزیدند و او دو سال و سه ماه و سیزده روز خلافت راند. آنگاه که مردم جزیره العرب پس از رحلت پیامبر مرتد شدند و نیز پیامبران دروغین در هر سوی پدیدار شدند، در زمانی کوتاه همه آنان را مقهور و مطیع ساخت و سپس متوجه فتح عراق و شام گشت. در عراق به سرداری ابوعبیده حیره و انبار را گشود و سردار دیگر او خالد بن ولید در آجنادین، ناحیه‌ای از فلسطین، لشکر روم را شکست داد. در بیست و دوم جمادی‌الآخره سال سیزدهم هجرت در شصت و سه سالگی بدرود زندگی گفت و او را کنار تربت رسول-الله صلی الله علیه و آله به خاک سپردند. وی سه پسر داشت: یکی عبدالله و دیگری محمد که هنگام مرگ ابوبکر سه ساله بود و سومی عبدالرحمن و سه دختر: عایشه و ام‌کلثوم و اسماء.^۱

۱-۲ روزهای پایانی حیات پیامبر صلی الله علیه و آله

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به همراه بنی‌هاشم مشغول آماده کردن پیکر پیغمبر برای تکفین و تشییع بودند و مهاجران در جلوی خانه آن حضرت جمع شده بودند، انصار در محلی به نام سقیفه بنی‌ساعده گرد آمده، در حال انتخاب رهبری برای خود بودند. ابوبکر و عمر و ابوعبیده جراح از این ماجرا آگاهی یافتند و بدون خبر کردن سایر مهاجران از جمله بنی‌هاشم مخفیانه به سقیفه رفته و طی یک سری مجادلات لفظی که با انصار داشتند و نزدیک بود کار به درگیری فیزیکی نیز برسد، ابتکار عمل را به دست گرفته و قدرت را از آن خود کردند. با آمدن قبیله بنی‌اسلم از بیرون مدینه به داخل شهر و بیعت آن‌ها، کار تمام شده قلمداد شد و ابوبکر، خلیفه مسلمین، در مسجدالنبی شروع به بیعت‌گیری از مسلمانان کرد. او عده‌ای را به سراغ بنی‌هاشم فرستاد تا آن‌ها نیز بیعت کنند که با مخالفت جدی و سرسختانه آن‌ها مواجه شد و پس از درگیری که بین طرفین صورت گرفت ابوبکر از بیعت ستاندن از آن‌ها منصرف زد و ترجیح داد بدون

۱. دهخدا، «ابوبکر»، برای آگاهی بیشتر ر.ک: عالم‌زاده، هادی، «ابوبکر»، دایره المعارف بزرگ اسلامی؛ فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام؛ شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام؛ Montgomery, W., "Abubakr", EI2.

مزامحت آن‌ها به تمشیت امور مسلمین بپردازد. این خلاصه‌ای از اتفاقات مهمی بود که به خلافت ابوبکر انجامید، اما سوالات بسیار جدی درباره این انتخاب بحث برانگیز باقی مانده که تا امروز به صورت مشاجراتی میان فریقین بر جای مانده است:

۱. با توجه به ماجرای غدیر چرا هیچ‌یک از دو گروه مهاجر و انصار بدان توجهی نکردند؟
 ۲. چرا صحابه از شرکت در سپاه اسامه به هنگام شدت گرفتن بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله امتناع ورزیدند و به بهانه نگرانی از حال او، دستور صریحش را زیر پا نهادند؟
 ۳. چرا عده‌ای از صحابه مخصوصاً عمر، از آوردن دوات و قلم و نوشتن وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله با وجود تأکید حضرتش بر اهمیت آن (گمراه نشدن در صورت عمل کردن بدان) خودداری کردند؟
 ۴. چرا عمر بلافاصله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله با ادعایی عجیب، منکر مرگ آن حضرت شد و تا رسیدن ابوبکر به شهر از ادعای خود کوتاه نیامد؟
 ۵. چرا انصار که رابطه خوبی با امام علی علیه السلام داشتند، سقیفه را برپا کردند و درصدد انتخاب خلیفه‌ای برای خود برآمدند؟
 ۶. ابوبکر و دوستانش چگونه از ماجرای سقیفه خبر یافتند و چرا بقیه مهاجران از جمله علی علیه السلام و بنی‌هاشم را از ماجراهای پیش آمده باخبر نساختند و مخفیانه به آنجا رفتند؟
 ۷. چگونه بنی‌اسلم دقیقاً در همان روز وارد شهر شدند و با بیعت با ابوبکر، جرأت ابراز هرگونه مخالفت را از معارضین گرفتند؟
- برای پاسخ دقیق و قانع‌کننده بدین سوالات و نظیر آن‌ها باید مجدداً حوادث روزهای پایانی پیامبر را بررسی کرد تا با تحلیل آن‌ها کلید حل معما را یافت. در ادامه به صورت بسیار مختصر وقایع این دوره زمانی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۱ غدیر

شاید مهم‌ترین اتفاقی که از نگاه شیعیان در مورد موضوع جانشینی در دو سه ماه پایانی زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد، واقعه غدیر باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله در حج پایانی خود (حجّة الوداع) با جمع زیادی از اصحاب خود عازم برگزاری مراسم حج شد. در این سفر با توجه به پیروزی کامل اسلام بر کفر تعداد حاجیان زیاد بود. پیغمبر با تأکید بر نزدیک بودن زمان رحلت خود، مسلمانان را با خود به همراه برد و آنان را واداشت تا مناسک را به خوبی از او فرا بگیرند تا بعداً مایه‌ای برای بروز اختلافات فقهی نشود. پس از پایان مراسم و در حال

بازگشت حجاج به سمت شهر و دیار خود، پیامبر در محل برکه‌ای به نام «غدير خُم» دستور توقف کاروانیان را صادر نمود و امر فرمود تا به کسانی که پیش افتاده‌اند دستور بازگشت دهند و منتظر کسانی که هنوز نرسیده بودند، بمانند. پس از جمع شدن مردم، در حالی که هوا به شدت گرم بود، پیامبر بر روی سکویی که از جهاز شتران ساخته شده بود، بالا رفت و خطاب به جمعیت سخنانی ایراد فرمود. متن کامل این خطبه، تعمداً یا سهواً در منابع نیامده است و فقط به برخی از فرازهای آن اشاره شده است. آن حضرت در طی سخنان خود فرمود: «ای مردم! آیا من از خود شما، به ولایت [سرپرستی] شما سزاوارتر نیستم؟ مردم پاسخ دادند: آری، ای رسول خدا. حضرت فرمود: خداوند ولیّ من است و من ولیّ مؤمنین ام و من به خود شما، به ولایت [سرپرستی] شما سزاوارترم». پس از این سخنان دست امام علی علیه السلام را گرفته، بالا برد به طوری که سپیدی زیر بغل آن حضرت نمودار شد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه...» سپس از مردم خواست با امام بیعت کنند. صحابه نیز یک به یک با اودست دادند و ولایتش را بر مومنان تبریک گفتند، از جمله عمر که می‌گفت: «بَحَّ بَحٌّ یا علیّ اصبحت مولای و مولا کلّ مومن و مومنه» (مغازلی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۶؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۲۳۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۹).

شیعه و سنی تقریباً در اصل ماوقع، اختلافی با هم ندارند؛ مهم تفسیری است که هر یک از این ماجرا می‌کنند که با یکدیگر بسیار فاصله دارد: در حالی که شیعیان این ماجرا را دلیلی قاطع و صریح بر اعلام ولایت و خلافت امیرالمؤمنین از جانب پیغمبر بر می‌شمردند، سنیان بر این موضوع که این ماجرا تنها یک فضیلت برای آن حضرت است و فاقد هرگونه معنای سیاسی و حکومتی است پا می‌فشارند. شیعیان با استناد به سخنان قبلی پیامبر در همین خطبه، کلمه «ولیّ» و «مولا» را به معنای سرپرست و حاکم می‌گیرند، اما سنیان آن را به معنای دوستی می‌گیرند. شیعیان در حالی که جمع کردن این تعداد از جمعیت را فقط برای اعلام دوستی پیغمبر صلی الله علیه و آله با علی بن ابی طالب علیه السلام کاری عبث می‌دانند - چرا که همه بر این نکته واقف بودند و نیازی به راه انداختن این مجلس بزرگ و پر طول و تفصیل نبود - سنیان با استناد به دلخوری برخی از صحابه از امام بر سر غنایم یمن آن را اقدامی از سوی پیامبر جهت خشنودی آن عده می‌دانند. این مشاجرات و اختلافات که تا امروز نیز ادامه یافته، موضوع کتاب‌های بسیار زیادی است که شیعه و سنی نوشته‌اند و باید به همان‌ها مراجعه کرد. در ادامه مختصراً پاسخ‌های شیعیان را مرور خواهیم کرد.

از نگاه شیعیان بسیار بعید است که پیامبر برای موضوع جانشینی خود تدبیری نیندیشیده باشد و مردم را بدون جانشین و سرپرست به حال خود رها کرده باشد. اگر چنین می بود و مردم خود توانایی انتخاب رهبر و جانشین را داشتند نباید آن همه اختلاف و درگیری پس از رحلت پیامبر بر سر مسئله جانشینی رخ می داد و از آن مهم تر ابوبکر و بقیه خلفا هم باید به همان شیوه «مرضیه»! اقتدا می کردند و بنابراین که مردم خودشان توانایی انتخاب رهبر و جانشین را دارند آن ها را به حال خود رها می کردند. در حالی که ابوبکر چنین نکرد و عمر را به جانشینی خود «منصوب» کرد و عمر هم آن را در یک شورای شش نفره قرار داد و آن ها را ملزم کرد ظرف سه روز در این باره تصمیم گیری کنند و اگر طی این مدت به توافق نرسیدند هر شش تن گردن زده شوند. جالب اینجاست که در همان ایامی که عمر در بستر مرگ افتاده بود، عایشه برای او پیغام فرستاد که برای خود جانشینی تعیین کند و مردم را به حال خود رها نسازد (ابن قتیبه، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۴۲).

از نگاه شیعیان گرچه پیامبر در مواردی مانند «حدیث انذار عشیره» و «حدیث منزلت» به جایگاه والای امام علی علیه السلام نزد خود و مسئله جانشینی اشاره کرده بود، اما لازم بود یک بار دیگر و این بار جلوی همه مسلمانان این مسئله مجدداً مطرح شود. از نگاه آنان انتخاب علی علیه السلام به جانشینی، دل بخواهی و بر ساخته دست پیغمبر نبود، بلکه خداوند بدین کار فرمان داده بود: به عقیده آن ها خداوند در آیه ۶۷ سوره مائده پیامبر را مکلف کرد که مسئله جانشینی امام را مطرح سازد و اگر چنین نکند کل زحمات ۲۳ ساله رسالتش بر باد خواهد رفت؛ چرا که پس از او محافظی شایسته برای حفظ آن نخواهد بود: «یا ایها الرسول بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (ای پیامبر آنچه را که از جانب پروردگارت بر تو نازل شد برسان و اگر چنین نکنی رسالت الهی را به انجام نرسانده ای و خداوند تو را از مردم حفظ می کند چرا که او قوم کافر را هدایت نمی کند). (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۵) و پس از خاتمه ماجرا این آیه نازل شد که «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً» (امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دینتان برگزیدم) (مائده/۳) (همو، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۰۲).

شیعیان در پاسخ این که چرا پیامبر به جای مولا از کلمه خلیفه استفاده نکرد

۱. مرحوم امینی اقوال ۱۶ تن از مفسران و محدثان اهل سنت را نقل کرده است که این آیه را در شأن ماجرای غدیر دانسته اند (امینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۷).

معتقدند که مولا دقیقاً همان معنا را افاده می‌کند و بلکه معنایی فراتر از آن دارد و سرپرستی امور دینی و دنیایی مردم را به همراه هم دارد؛ معنایی که در کلمه خلیفه وجود ندارد؛^۱ چنان‌که اهل سنت خلیفه را جانشین پیامبر در اداره امور دنیایی و پاره‌ای از امور ظاهری دینی مثل برپایی نماز و انجام حج و ... دانسته‌اند و هیچ‌گاه خلیفه را مرجع انحصاری دین که تمامی مسائل دینی باید بدو مرجوع شود و وظیفه هدایت مردم را دارد قلمداد نکرده‌اند. موارد متعددی در سیره خلفا وجود دارد که مردم را در مسائل دینی به دیگران از جمله امام علی (علیه السلام) ارجاع می‌دادند. در این باره جمله ابوبکر در آغاز خلافتش معروف است که گفت: «قد ولیت امرکم و لست بخیرکم» (والی شما شدم، ولی از خود شما بهتر نیستم) (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۱۸۲). ضمن آن که در این جا هم ابوبکر از واژه «ولی» استفاده می‌کند نه خلیفه!

از نگاه شیعیان واقعه غدیر ارتباطی با دلخوری سپاه امام از ایشان در یمن ندارد؛ چرا که برای دلجویی از آنان، نیازی به راه انداختن چنین بساط گسترده‌ای نبود و فقط کافی بود پیغمبر با همانان سخن بگوید؛ همچنان‌که اتفاقاً چنینهم کرد و خطاب به آنان فرمود: «از علی (علیه السلام) شکایت نکنید که به خدا سوگند او در امور مربوط به خداوند بسیار سختگیرتر از آنست که مورد خرده قرار گیرد.^۲ از این رو تنها معنایی سیاسی برای این ماجرا می‌ماند و آن مسئله جانشینی است. به گفته حسین محمد جعفری، مورخ فقیه پاکستانی، واقعه غدیر اگر بر فرض اهل سنت هم آن معنایی را که شیعیان مدعی هستند، نداشته باشد دست‌کم نشان دهنده این مطلب هست که در این امت تنها یک‌تن هم‌تراز و هم‌شان پیغمبر بوده است که توسط پیامبر به عنوان عدل خود معرفی شده است. طبیعی است که چنین شخصی شایستگی بیشتری برای جانشینی پیامبر دارد (جعفری، ۱۳۸۰ش، ص ۳۷).

به هر حال پس از ماجرای غدیر و در واپسین روزهای حیات پیامبر دست‌کم دو اتفاق مهم و جالب توجه به لحاظ سیاسی رخ داد که برای دانستن دقیق علل رخ دادن سقیفه و نادیده گرفته شدن حق امام علی (علیه السلام) برای خلافت، توجه به آن‌ها ضرورت دارد: یکی ماجرای سپاه اسامه و دیگر حدیث دوات و قلم یا همان مصیبت روز پنجشنبه.

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک. انصاری، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۲۵۲-۲۶۰.

۲. لا تشکوا علیا فوالله انه لأخشن فی ذات الله اوفی سبیل الله من ان یشکی (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص ۶۰۳).

۱-۲-۲ سپاه اسامه

پیامبر در واپسین روزهای حیات خود تصمیم گرفت لشکری را به طرف مؤته بفرستد که قبلاً مسلمانان در آنجا در سال ۸ق از غسانی‌ها شکست خورده بودند و عده‌ای از بهترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله (زید بن حارثه: فرزندخوانده پیامبر، جعفر بن ابی طالب: پسر عموی پیامبر و عبدالله بن رواحه) به شهادت رسیده بودند. به نظر می‌رسد به راه انداختن این سپاه جنبه انتقامی داشته است؛ چرا که در آن موقع با توجه به موقعیت مسلمانان تهدیدی جدی از آن سو احساس نمی‌شد. اکثر صحابه سرشناس پیامبر به استثنای علی علیه السلام و تنی چند، مأمور شرکت در این سپاه شدند و پیغمبر دستور حرکت آن‌ها را صادر کرد و فرماندهی سپاه را به اسامه بن زید بن حارثه، که جوانی ۱۸ ساله بود سپرد. سپاه در بیرون شهر در محلی به نام جُرف^۱ لشکر زد، ولی از آنجا حرکت نکرد. در آغاز آن‌ها معترض به فرماندهی اسامه بودند. چرا که در این سپاه تمامی صحابه بزرگ و مسن پیغمبر حضور داشتند و برایشان تعجب برانگیز بود که چرا پیامبر جوانی ۱۸ ساله را بر آن‌ها امارت داده است. پیامبر با دفاع از اسامه فرمود: «به خدا سوگند او شایستگی فرماندهی را دارد همچنان‌که پدرش داشت، اما شما در مورد پدرش نیز خرده می‌گرفتید» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۳). در طی همین روزها حال پیامبر وخیم شد و سپاه علی‌رغم تأکیدات مکرر پیامبر از جای خود تکان نخورد و صحابه به بهانی نگرانی از حال پیامبر حاضر به ترک شهر نشدند. در چنین احوالی پیامبر مجدداً با وجود حال نامساعد خود به جُرف رفت و سپاه را تشویق به حرکت کرد (ابن سعد، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۵، ج ۴، ص ۳۵۲)، حتی به نوشته جوهری (د ۳۲۳ق)، تخلف‌کنندگان را لعنت کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ق، ج ۶، ص ۵۲)، اما صحابه که به خوبی از هدف پیامبر آگاه بودند حاضر به تمکین از ایشان نشدند و منتظر ماندند تا ببینند وضعیت جسمانی پیامبر به کجا منتهی خواهد شد. برای بررسی این ماجرا باید دید هدف واقعی پیامبر از ارسال این سپاه در چنین موقعیت حساسی چه بود و از آن سو علت تمکین نکردن صحابه چه بود. (این ماجرا خود می‌تواند پاسخ خوبی به کسانی نیز باشد که می‌پرسند اگر غدیر معنای صریح سیاسی می‌داشت چگونه همه صحابه به یک‌باره آن را بعد از درگذشت رسول الله صلی الله علیه و آله فراموش کردند. در این ماجرا آنان در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر به اطاعت از فرمان ایشان نشدند چه رسد به بعد از وفات ایشان)!

۱. جُرف یا جُرف محلی در سه میلی مدینه در جهت شام (سمهودی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۸۱).

به نظر می‌رسد در شرایط عادی پیغمبر به این سرعت و جدیت به دنبال فرستادن سپاه و خالی کردن شهر نمی‌افتاد، مخصوصاً که اسلام در این زمان در اوج قدرت بود و نیازی به ارسال فوری سپاه نبود؛ ضمناً حال پیامبر هم خوب نبود و بهتر آن بود که صحابه به هنگام رحلتش دور ایشان جمع باشند تا خطری برای اسلام رخ ندهد. استثنا کردن علی بن ابی طالب (ع) هم معنادار است؛ او که در همه جنگ‌ها به استثنای تبوک - حضور داشت و پرچمدار سپاه بود چرا به یک‌باره استثنا می‌شود؟ آیا این موضوع معنیدگاری جز تصمیم پیامبر برای خالی کردن صحنه از رقبا می‌تواند داشته باشد؟ از آن سو چرا با وجود آن که صحابه باتجربه و مسنی در سپاه بودند، پیامبر یک جوان را بر این کار گمارد و زمانی که با اعتراض یارانش روبرو شد ملاک فرماندهی را لیاقت و نه سن معرفی کرد؟ آیا جز اینست که علی (ع) نیز در آن هنگام کمتر از ۳۵ سال داشت، در حالی که قریش ریاست و حتی مشورت را جز با افراد بالای ۴۰ سال انجام نمی‌داد؟ و از همه مهم‌تر این که چه شد که صحابه‌ای که بدون بهانه‌ای مخلصانه در سخت‌ترین پیکارها شرکت می‌جستند به ناگاه همگی به بهانه نگرانی از حال پیامبر - علی رغم تأکیدات حضرتش - حاضر نشدند به دستور ایشان تن در دهند. زمانی که همه قطعات این پازل را کنار هم می‌گذاریم به ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که پیغمبر تصمیم داشت علی (ع) بعد از ایشان بدون دردسر و رقیب جدی به خلافت برسد و از آن سو صحابه نیز با علم به برنامه پیامبر درصدد برهم زدن آن برآمدند که در این کار نیز توفیق یافتند.

۱-۲-۳ حدیث دوات و قلم

ماجرای سوم که در پنجشنبه پایانی عمر پیامبر رخ داد، داستان ممانعت عده‌ای از صحابه برای نوشتن وصیت ایشان بود. بر طبق این ماجرا پیامبر در یکی از روزهای پایانی عمر خود خطاب به اطرافیان خود فرمود: «برایم دوات و قلمی بیاورید تا برایتان چیزی بنویسم که هرگز گمراه نشوید».^۱ عده‌ای گفتند بیاورید و عده‌ای گفتند بیاورید! عمر گفت: «تب بر پیامبر غلبه کرده و او هذیان می‌گوید».^۲ پیامبر از مشاهده این وضعیت بسیار ناراحت شده، از این کار منصرف شد و همه را از نزد خود راند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۲۲۲؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۴).

۱. ابی‌ونی بدواة و بیاض لکم کتابا لاتصلون بعدی ابدًا

۲. انّ النبی لیهجّر حسبنا کتاب الله یا در نقلی دیگر انّ النبی قد غلب علیه الوجع (صنعانی، ۱۳۹۲ق، ج ۵، ص ۴۳۸).